توصیه یک فوق تخصص روماتولوژی:

خوابیدن زیاد سبب تشدید کمر درد می‌شود

یک فوق تخصص روماتولوژی گفت: در مواردی که کمردرد دارید، بیشتر از ۲ تا ۳ روز در بستر نمانید زیرا خوابیدن به مدت طولانی سبب ضعیف شـدن عضلات و تشـدید کمردرد می‌شود. دکتر «محمد مهدی امام» عضو هیات علمی دانشـگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در گفت و گو با ایسنا، در خصوص مدت زمان لازم برای اسـتراحت در بسـتر هنگام کمردرد گفت: در مواردی که کمردرد شـما شدید است، برای مدت کوتاهی در بستر اسـتراحت کنید ولی این مدت بیش از ۲ تا ۳ روز نباشـد. وی در ادامه با اشـاره به اینکه خوابیدن به مدت طولانی سـبب ضعیف شدن عضلات و استخوان‌ها می‌شود، گفت: ممکن است پزشک معالج در موارد شدید کمر درد در بیماران با علایم عصبی، مدت‌های طولانی را توصیه به استراحت کند ولی خوابیدن به مدت طولانی، بهبودی را به تاخیر می‌اندازد. دکتر «امام» با اشـاره به اینکه حرکت کردن سـبب رفع سفتی عضلاتی و قوی‌تر شدن عضلات حمایت کننده کمر می‌شود، گفت: بیمارانی که به علت کمردرد نیاز به استراحت در بستر دارند، باید سطح فعالیت‌های روز مره را به تدریج افزایش دهند ولی اگر این فعالیت‌ها سبب افزایش درد شد، آن را متوقف سازند پس از روز سوم استراحت، زمانی را به ایستادن و راه رفتن اختصاص دهند.همچنین از نشستن خودداری کنند ، زیرا نشستن بیشترین فشار را روی ناحیه کمری وارد می‌کند.

راز سبیل معروف هیتلر فاش شد

بر اساس این گزارش تا کنون تصور می شد؛ که هیتلر به تبعیت از مد سبیل خود را کوتاه می کرده است اما یادداشت های فرای که در دوران جنگ جهانی اول هم زمان با هیتلر در ارتش خدمت می کرده علت اصلی این کار وی را مشخص کرده است.
به گزارش پارسینه، یک کارشناس آلمانی علت روش اصلاح منحصر به فرد سبیل ادولف هیتلر را توضیح داده است.روزنامه اینترنتی روسی لنتا نوشت:الکساندر موریتس فرای در یادداشتهای خود اظهار داشته که در زمان جنگ جهانی اول به هیتلرکه در حال خدمت سربازی بود دستور داده شد که سبیل پرپشت خود را اصلاح کند تا پرپشتی سبیل مانع استفاده از ماسک های ضد گاز جدید نشود.به‌گفته‌این‌نویسنده‌آلمانی‌هیتلر‌پیش‌از‌آن‌سبیل‌خود‌را‌به‌خاطر‌پنهان‌کردن‌بریدگی‌بسیار‌زشت‌روی‌لب‌خود‌بلند‌نگه می داشت.

بر اساس این گزارش تا کنون تصور می شد؛ که هیتلر به تبعیت از مد سبیل خود را کوتاه می کرده است اما یادداشت های فرای که در دوران جنگ جهانی اول هم زمان با هیتلر در ارتش خدمت می کرده علت اصلی این کار وی را مشخص کرده است.
این یادداشتها به تازگی در بایگانی شهر کوچک ماربـاخ به دست آمده اند و تاکنون منتشر نشده بوده اند .

پای محفل شعر و شعرانگی استاد «چهارنظم» ؛

شعر نمی گذارد که من نگویم

زهرا بیگلری

«شعر نمی گذارد که من نگویم ؛ آنها که شاعرند به همین جا می رسند... و اما شعر را شاعر نمی گوید ، شعر خودش شاعر را مجبور می کند که بیرون بریزد ».

عصر یک روز زیبا و بارانی شهرمان، با او در شرکت «دژ مارن کوه» دیدار می کنیم ؛ احساس می کنی سالهاسـت که می شناسـی اش . بسیار گرم و صمیمی اسـت و اهل دل ؛ این را می شد از نحوه چیدمان واژه های کلام اش دریابی . سپیدی موهایش حکایت از دانستنهای بی شماری داشت که ما شاید نمی دانستیم ! و شاید واژه پیرمرد چندان مناسب نباشد اما آنچه بدیهی بود ؛ صاحب نظر در عالم شعر یافتیم اش . مردی از خطه همیشه سرسبز شمال ؛ مازندران ، «تنکابن» یا همان ایران خودمان . خودش که می گوید: «الان فرهنگم بندریست و با بندریها بیشتر رفیقم تا تنکابنی ها . از سال ۵۴ به اینجا آمدم ، هنوز هم هستم با مردم و حتی جوانـان ...» . مـا را به یک دم کرده پونه دعوت می کند ، ما نیز با یک حس باران زده مهمان طنین گرم کلامش می شویم در حالیکه جای خالی یک بغض ناشکفته از دانایی را در خود داریم . استاد «علی اکبر چهارنظم» یا همان میزبان ما و مهمان صفحه فرهنگ و هنر این هفته روزنامه «دریا». «چهارنظم» معنایش همان چهار عنصر «آب و باد و آتش و خاک » است . متولد دوم آبانماه ۱۳۲۷و فارغ التحصیل رشته علوم سیاسی از دانشگاه تهران در سال ۵۲ .

کارش را از امور سیاسی استانداری هرمزگان شروع می کند ، دقیقا سی و پنج سال پیش . از سال ۶۹ نیز با انجمن شعر بندرعباس همکاری تنگاتنگی را آغاز می کند. «چهارنظم» شعر را بسیار شیوا و دلنشین می خواند به زیبایی نقد و تفسیر اشعارش . به عالم بی انتهای احساس ؛ محفل شعر و شعرانگی خوش آمدید.

◆ اولین محفلی کـه شـما در دوره نوجوانی وارد شدید و باعث شـد پی به استعداد خود ببرید، کدام محفل بود؟

من از دوران دبیرستان کم کم شروع به شعرگفتن کردم. یادم اسـت تنها فردی بودم که در مدرسه شعر مـی گفت و شـعرهایم را به دبیر ادبیات ام می دادم تا تصحیح کند . در دوران دانشجویی در تهـران هم که بودم در انجمن شـعر دانشـوران ایران شرکت داشتم و یادم اسـت اولین بار در انجمن «بانوان و دوشیزه گان» خیابان بهار تهران بود که آقای دکتر شهریار را زیارت کردم ؛غزل که می خواند وسط خواندن هایش یک یا دوجمله ای حـرف می زد و همه را می خنداند. البته شعرای آن زمان را خوب می شناسم و مجموعه شعر آن زمان ، « چه می گویی کجا شهد است ... شهد است ، این اشک است ، باغبان پیر رنجور که شب ها تا سحر بیدار مانده... چه می گویی کجا شهد است ، این اشک است ،این خون است...»فکر می کنم شعر آقای توللی بود البته من در انجمن ایشان نبودم .

◆ چگونه در انجمن شـعر بندرعباس پذیرفته شدید ؟

اولین بار که در انجمن شعر خواندم، آقایـان بهمنـی ، حیـدری و ... بخاطـر نحوه ی شـعر خواندنم مـرا پذیرفتند.البته اعلام نکردند امـا از ابـراز احساساتشان نسـبت بـه نحـوه خواندنم می شـد ایـن را فهمید.

در همـان اوایل عضویت ام ، در انجمن شـعری که در اداره بهداشت بنام «شعر خرمشهر» برگزار شد ، بنده هم یک شعر خرمشهر خواندم که صدا و سیما خیلی اتفاقی از میان اشعار آن همه آقایان هنرمند و شـاعر ؛ شـعر مرا پخش کرد حالا یا به این دلیل که شـعرم قوی بـود یا اینکه در حد آن آقایان بودم . البته علاوه بر تاثیری که این موضوع در مقبولیت بنده داشـت؛ آنقدر شـعر خواندم و خواندم و تصحیح ، تحلیل و نقـد کردند که در نهایت پذیرفتنـد که بله «چهارنظم» نیز مـی تواند و حرفـی برای گفتن دارد و اینگونـه مرا را جزو خودشان به حساب آوردند .

◆یک بیت از شعر «خرمشهر» تان را برایمان بخوانید؟

«السلام ای سینه ایران ما / ای برای ما سپهر؛ ای جان ما
یاد آن روزی که حالی داشتی / با که باید گفت گل کاشتی »

این هم دو بیت چون گفتید .

◆ شما چه جور فضایی را در شعر خود می پسندید ؟

بنده بیشـتر به دنبال شـعرهای مذهبی بودم . حتی تحلیل و محتوای شعر نو کوتاه من نیز مذهبی است.

◆ چرا فقط مذهبی ؟

والا همین خود مسـئله ایست . خود من ضمن اینکه شعر می گفتم اعتقاد داشتم؛ شعر را باید برای دل و روح خود بگویم و مرا قانع کند یا نه ، خود شـعر نمی گذارد که مـن نگویم چون آنهایی که فی الواقع شـاعرند بـه همین جا مـی رسـند .در واقـع خود شـعر نمی گذارد که آدم نگوید . علاوه بر این معتقدم که باید جامعه نیز از آن بهره ببرد و بعد ها نیز همینطور شد مرتب در تلویزیون ، روزنامه ، شب شـعرها و حتی هیئت ها شعرخوانی می کردم . این بـود که در ابعاد مذهبی شـعر می گفتم منتها محصل کـه بودم غزل های دنیایی زیاد می گفتم « صفا را استفادت ده زروی همچو ماهت ... » که چندان دلنشین نبود علاوه بر اینکه ثقیل بود و شعرانگی نداشت که سنگینی آن بیشتر به دلیل کتابهایی بود که می خواندم مثل نقد ادبی عبدالحسین زرین کوب .

دلیل دیگری که شعر مرا از وجه و موضوع مذهبی خارج نمـی کرد؛این بود که از یک خانـواده مذهبی بودم و از آغاز کودکی بسیار مورد تشویق مذهبیون بنام بودم و طبیعتا تحت تاثیر آنها قرار گرفتم و این مسئله جزیی از شخصیت ام شد .

◆ برویـم سـراغ آثـار شـما .چـرا کتابـی بـه چاپ نرساندید؟

بنـده کتابچـه ای دارم بـه نام «دفترچه دلبـر» که تایپ و دسـت نویس اسـت البته مجوز چاپ آن را هم گرفتم ولی چاپ نکردم .دو تا دفتر ۲۰۰ برگی شـعر هم دارم که انشاا... چاپ می کنم .حال دلیل اینکه چرا چاپ نکردم ، این است که بنده به این حرف بزرگان ادبیات که می گویند؛ مجموعه باید دیر چاپ بشود تا به پختگی لازم برسد اعتقاد دارم .

مـن الان چهـار دیـوان دارم کـه پله های ترقـی بنده در زمینه شـعر و ادب است . اولین اشعارم را که سرودم ، حتی به حافظه ام هم نسـپردم و ریختـم دور چون نمی ارزیدند . اشعار بعدی ام در حدی بود که خود من اگر بیرون می دیدم ، می خواندم اما بسیاری از زیبایی ها در آن رعایت نشده بود اما خوب در اشعار بعدی ام این زیبایی ها بیشتر دیده می شد و در مورد اشعار الانم ، نظرم بر این است که خیلی بهتر شده و از پختگی لازم برخوردار است .

◆ درباره شخصیت ادبی صحبت کردید .یک شاعر به کجا می رسد که می گویند اشعارش به آن پختگی لازم رسیده ؟

شـما می دانید کـه اگر آدم اولین شـعرهای خود را ببیند ممکن است بگوید؛ واقعا این ها شعر من است ، اینها چه بوده می گفتم ؟! بگذارید مثال بزنم ؛ سهراب «صدای پای آب» اش را سیصد بار تغییر داد و تصحیح کرد .در واقع جان مایه با حال و هوا ظرف یک ربع ممکن است بیاید اما بعد می توان آن را با تغییر زیبا کرد یا اینکه «فروغ» خود از چاپ کتاب های اولش اظهار پشـیمانی کرده و گفته که ای کاش من این اشعارم را چاپ نمی کردم چون می خواست مثل حافظ معروف بشود. فروغ با سرودن «فصل سرد « بود که احساس کرد شعرهایش به آن پختگی لازم رسـیده و شاعر قوی شده است.هنوز هم خیلی ها اصلا نمی دانند شعر چیست ؟ تو انجمن ، دانشکده و حتی استاد هستند اما ایسم شعری ندارند در حالی دانش شعر نیست، شعر چیز دیگری است و تنها خود شاعر می داند که چه زمانی کامل شده است .

◆از اصول و ارکان شعر بگویید؟

شاعر باید تصویر داشته باشد یا همان خیال و بعد بایستی احساس سرش شود به خصوص در غزل که جنبه شخصی دارد چون اگر حس نباشد به تنهایی چه می خواهد بگوید؟ شـاعر باید خود اندیشـه خلاق داشـته باشـد و همچنین مطالعات. زبان شعر هم هست یعنی اینکه اگر کسی شعر بدون اسمی را خواند بفهمد که این شعر متعلق به کدام شاعر است. در واقع یکی از وجوهی که در شعر باعث تمایز می شود زبان شعر است و ما شاعران را با زبانشان می شناسیم .من خودم در شعر «امام زمان « ام اینگونه از رستاخیز گفتم که این می شود زبان خاص خودم ؛ «از چه می خوش می نگارم توی چشم/ چشـم را گم کرده دارم توی چشـم ، دست اگر آیینه خیزم می کند / خیزم آیینه بکارم توی چشم ...»

◆ جایگاه مطالعه در تبدیل شدن به یک شاعر خوب چیست؟

هر شاعری نیاز به مطالعه دارد. بخصوص اگر کسی بخواهد شـعر مذهبی بگوید . بنده یک اسـتادی داشتم از او پرسیدم چه چیز دکتر شـریعتی را بگویم که دیگران نگفته باشـند ، ایشـان گفتند که دویست کتاب در مورد ایشان بخوان و بعد برو شـریعتی را بیان کن که بشناسی اش و واقعا هم راست می گفت . آدمی که بیسـت کتاب در مورد امام حسـین (ع) نخوانده باشـد یا تنها در مسجد و یا پای چند تا تکیه درباره او شـنیده باشد ، چه می خواهد در مورد حسین (ع) بگوید؛ نمـی تواند .بنابراین برای گفتن شـعر باید تحقیق و مطالعه داشت .

◆ شاعران صاحب نظر در انجمن چه کسانی بودند؟

در شـعر مذهبی آقای قاسـم حیدری شاعر بسیار خوبی بود . ببینید شما از «غدیر» زیاد شنیدید حتی از روحانیون اما اگر از شـما که نه از استاد دانشگاه هم بپرسند ،نمی دانید که اطراف گودال «غدیر» گل بنفشـه داشته و آقای حیدری این را در شـعرش آورد چـون مطالعه کرده بود و بنده نیز تحت تاثیر آن قرار گرفتم . در شـعر نو هم آقای موسی بندری در تاویلات و حرف زدن هایش خیلی فرهیخته شـده با اینکه تحصیلات دانشگاهی نیز ندارد .آقای بهمنی نیز می توان گفت که در غزل شهرت کشوری که دارد ، حقا شهرت بین المللی هم پیدا می کند . شعری که ایشان برای امام راحل سرودند ، می شود گفت که تقریبا کسی مثل او به این زیبایی نگفته یا لااقل من نشنیدم . البته شعرای صاحب نظر دیگری هم داشتیم که به علت کمی وقت تنها به همین چند نفر بسنده می کنم . و اما شعر را شاعر نمی گوید ، شعر خودش شاعر را مجبور می کند که بیرون بریزد .

◆ با اشعار کدام شاعر انس بیش تری دارید ؟

اصلا کسی نیست که بگوید علاقه مند به حافظ نیست . یادم می آید زمانی که محصل بودم ، یک بیت شعر مورد علاقه من از حافظ این بود ؛ «ای غایب از نظر به خدا می سپارمت/ جانم بسـوختی و به دل دوست دارمت ». البته اشعار سعدی را نیز می پسـندم اما هر یک به نوع و سبک خاص خودشان شعر گفته اند . شما می دانید سعدی دنیا را گشته اما حافظ بیشتر گوشـه نشین بوده و هر دو جهانگیر شـدند و با واژه دنیا را فتح کردند . شـعر سعدی را سر در سازمان ملل نوشته اند و حافظ را در همه اروپا از ادب دوستان کسی نیست که نشناسد. سعدی برون گرا بود در حالیکه حافظ درون گرا .

◆ فکر می کنید دلیل جهانگیر شدنشان چه بوده ؟

سـعدی و حافظ هر دو شاگرد مکتب قرآن بودند . اگر قرآن نبود یقین می دانم که آنها اینقدر عالمگیر نمی شدند .

◆ چرا با همه اذعانی که به بزرگی سـعدی داریم ، حافظ حافظه ی ما شد ؟

ببینید ،حافظ اشعارش چند بعدی است و قابل تاویل است برای همین است که با آن فال می گیرند . اگر شعر او را آنهایی که خوب تاویل می کنند ، بخوانند می بینی که خارج از اسلام هم نگفته حتی گاهی می گوید «به فتوای من» و این یعنی اینکه ؛ شاعر خلاقیت دارد و می خواهد یک چیز بکر بگوید و به جامعه بدهد اما خارج از قرآن نیست .

مثلا «دوش می آمد و رخسـاره برافروخته بود / تا کجا باز دل غمزده ای سوخته بود » . دلیل دیگر اینکه ؛ حافظ نظم اش را همه از قرآن گرفته بود بیشـتر از سعدی . سعدی بیشتر از بیرون می گرفت .حافظ خیلی باسواد بود . یک آدم کم سواد یک چیز از اشعارش می گرفت ، یک فرد باسواد متوسط هم یک چیز اما خواص مفهوم پیچیده آن را می گرفتند .قرآن هم همینطور است ،کسی نیست که قرآن را بخواند و چیزی از آن نگیرد. البته یکی از افتخارات خود من این اسـت که ؛ استاد حافظ «علی اسـترآبادی » مازندرانی بود و مشوق او بود. در واقع کسی نیست که شیفته حافظ نباشد مگر ماتریالیست ها نظیر سید احمد کسروی .

حال آقای حسـن زاده آملی نیز به جمع ما می پیوندد. چهره ای خونگرم و آشـنا در شعر و شعرانگی .هر بار که می خواهد بگوید ، باور دارد در محضر استاد «چهار نظم» بایستی کسب اجازه کند و با این مقدمه او را نیز می توان شـاعر لقب داد . اسـتاد اینگونه ادامه می دهد ؛ سید احمد کسروی خیلی ساده گو بود . او برای حافظ کتابی نوشت به نام «حافظ چه می گوید» و در آن خطاب به او گفت : «حافظ روسیاه» . اما موافقین حافظ می گویند که کسروی متوجه اصل ادبیات شعر حافظ نیست . هدف شعر زیبایی است ،زیبایی شعر حافظ را کسی نمی تواند بیافریند.

محفل گرمی بود و لبریز از واژه های دانایی اما ناگزیر هر آغازی را پایانی است هر چند گفتن از دنیای شعر در محضر استاد پایانی نداشت اما وقت خداحافظی است .حرف های زیادی برای گفتن داشـتم که در ظرف زبانم نگنجید انگار باید پشت این همه دانایی اردو می زدم ، از صدای پای آب سهراب می گذشـتم ،از درخشش شبتاب نیما ، از اعتراف و هجـرت گوته برای خواجه راز تا خوان هشـتم اخوان و بالاخره به یاد او که عالم شـیفته ی اوست ، فریاد می زدم ؛ «حافظ از بهر تو آمد سوی اقلیم وجود / قدمی نه به وداعش که روان خواهد شد».

یک شعر از علی اکبر چهارنظم ؛

در غریبی آشنا را کشته اند
آشنای دلگشا را کشته اند
در نبرد نابرابر ها چرا
نابرابر ها چرا را کشته اند
واژه های من بیا خون گریه کن
عاشقان بی ریا را کشته اند
سر اگر می خواست تنها از حسین
یک قو لیک بی قوا را کشته اند
بر زمین تن ها و سرها روی نی
باد دیگر لاله ها را کشته اند
یا محمد آه از آن نامرد ها
از چه مردان خدا را کشته اند
دل اگر قربان دلبر می رود
در خیالشان بقا را کشته اند

دادنامه

پرونده کلاسـه ۸۹۰۹۹۸۷۶۱۰۱۰۰۶۱۵ شـعبه اول دادگاه حقوقی دادگسـتری شهرستان بندرعباس دادنامه شـماره ۸۹۰۹۹۷۷۶۱۰۱۰۰۷۸۳-۸۹/۱۰/۷ خواهان :آقای عبدالکریم عبداللهی خونسرخی با وکالت آقای مهدی برفی زاده به نشانی بندرعباس سه راه دلگشا به سمت ساحل ساختمان آنامیس ط ۸ واحد ۸۰۱
خوانده :خانم رعنا کامجو به نشانی مجهول خواسته :مطالبه طلب گردشکار : پس از وصول پرونده به این شعبه وثبت به کلاسه بالا و جری تشریفات قانونی، سرانجام دادگاه در وقت فوق العاده /مقرر تشکیل و پس از بررسی اوراق و محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و با استعانت از خداوند سبحان بشرح زیر مبادرت به صدور رای می نماید .
رای دادگاه
در خصوص دادخواست تقدیمی خواهان آقای عبدالکریم عبداللهی خونسرخ فرزند احمد با وکالت آقای مهدی برفی زاده فرزند علی بطرفیت خوانده خانم رعنا کامجو فرزند موید رضا به خواسـته الزام خوانده به پرداخت مبلغ ۷۶۳/۸۷۷/۷۷۷ ریال بابت پرداخت بخشـی از تسـهیلات شماره ۲۰۰۲۰۲-۱۷۸۶۰۰۳۴۶ بانک سپه شعبه خیابان دانشگاه از سوی موکل (ضامن وام) به انضمام جمیع خسارتهای قانونی متعلقه بدین توضیح وکیل خواهان با خوانده محترم تسهیلات بانکی مذکور را از بانک یاد شده دریافت می نماید و موکل (خواهان) به عنوان ضامن بازپرداخت آنرا ضمانت می کند حال با عنایت به عدم بازپرداخت تسهیلات از سوی خوانده و مستندا به مدارک پیوست دادخواست ، خواهان (موکل)مبلغ ضمانت شده را به انضمام خسارت تاخیر تادیه به بانک محال علیه پرداخت نموده و به مبلغ مجموعا۷۶۳/۸۷۷/۷۷۷ ریال الزام محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ تادیه شـده توجها به این موضوع حسـب ماده ۷۰۹قانون مدنی ،ضامن پس از پرداخت دین حق رجوع به مضون عنه را دارد ،به انضمام جمیع خسـارات قانونی مستدعی است دادگاه با توجه به اوراق و محتویات پرونده نظر به اینکه خواهان جهت اثبات ادعای خود کپی مصدق برگ لازم الاجرا معاضدت با حق استرداد و چک شماره۶۸۰۹۷۲ به مبلغ ۷۶۳/۸۷۷/۷۷۷ ریال در وجه بانک سـپه بلوار دانشـگاه حساب شماره۲۰۰۲۰۲ رعنا کامجو درخواسـت عبدالکریم عبداللهی و حواله دریافت مبلغ مذکور از سوی بانک سپه و آگهی بستانکار به پیوست دادخواست ارائه نموده است و خوانده محترم با وجود ابلاغ قانونی در جلسه دادرسی حضور پیدا نکرده و بصورت کتبی نیز از خود دفاعی به عمل نیاورده اسـت و اینکه خوانده دلیل بر مدرکی دال بر بریء الذمه شـدن خویش به دادگاه ارائه نداده اسـت و اسناد مورد استناد پیوست دادخواست نیز از سوی خوانده مواجه به تردد یا انکار یا جعل واقع نشـده اسـت و مصون از هر گونه تعرضی باقی مانده اسـت فلذا دادگاه با تکیه بر اصل استصحاب (ابقاء ما کان علی ما کان)بقاء دین دین خوانده را اسـتصحاب نموده مسـتندا به مواد ۱۹۷-۵۰۲-۵۱۵-۵۱۹از قانون آئین دادرسـی مدنی و ماده ۷۰۹از قانون مدنی و آئین نامه تعرفه حق الوکاله و هزینه سفر وکلای دادگستری حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۷۶۳/۸۷۷/۷۷۷ ریال به عنوان اصل خواسته و هزینه دادرسی و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیمی دادخواست لغایت یوم الوصول بر اساس نرخ تورمی اعلامی از سوی بانک مرکزی و پرداخت حق الوکاله و کیل قانونی طبق تعرفه و جملگی قابل محاسبه در اجرای احکام حقوقی در حق خواهان صادر و اعلام می نماید . رای صاره غیابی محسوب و ظرف بیست روز پس از تاریخ ابلاغ واقعی قابل واخواهی در این دادگاه و پس از انقضاء مهلت واخواهی ظرف مدت بیست روز قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم تجدید نظر استان هرمزگان می باشد .۹۸/۱۱

دادرس علی البدل شعبه اول دادگاه حقوقی بندرعباس

دادنامه

پرونده کلاسه ۸۹۰۹۹۸۷۶۵۲۱۰۰۱۹۹ شعبه اول حقوقی دادگستری شهرستان قشم دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۷۶۵۲۱۰۱۲۲۱
خواهان: آقای حسین عباس نژاد به نشانی قشم روبروی بسیج خواهران منزل کبابی
خوانده :آقای مجتبی پور قاسمی هشونی به نشانی بندرعباس بلوار دانشگاه برج اسکان واحد ۹ تلفن ۰۹۱۳۳۴۵۵۴۷۳ خواسته : مطالبه وجه چک
گردشکار: دادگاه نظر به جمیع اوراق و محتویات پرونده ختم رسیدگی اعلام و با استعانت از خداوند منان و تکیه بر شرف و وجدان به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید.
رای دادگاه : در خصـوص دعوی آقای حسـین عباس نژاد فرزند نعمت الله بطرفیت آقای مجتبی پور قاسمی هشونی فرزند ابراهیم بخواسته مطالبه مبلغ یکصد و بیست و پنج میلیون ریال وجه یک فقره چک به شـماره و تاریخ ۴۸۵۷۳۳ مورخ۸۹/۴/۹ با احتسـاب خسارت دادرسی و تاخیر تادیه به شرح دادخواست تقدیمی، دادگاه پس از جری تشریفات قانونی ، تعیین وقت رسیدگی و دعوت از طرفین و با بررسی مدارک و مستندات ابرازی خواهان از جمله تصاویر مصدق چک و گواهی عدم پرداخت صادره از بانک محال علیه و با عنایت به اینکه خوانده مدعی امانی بودن چک شده و علی رغم اخطار جهت حاضر نمودن شهود خود دلیل یا مدرکی که برائت ذمه وی را اثبات نماید ارائه و ابراز ننموده است و با عنایت به بقاء اصل چک در ید خواهان که دلالت بر اشتغال ذمه خوانده دارد لذا دادگاه دعوای خواهان را مقرون به صحت تشخیص مستندا به اصل استصحاب ومواد۱۹۸،۵۱۵،۵۱۹ و ۵۲۰ از قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی ومواد ۲و ۳ از قانون اصلاح قانون صدور چک ، مواد ۳۱۰ و۳۱۳ از قانون تجارت و قانون استفسـاریه تبصره الحاقی به ماده ۲ از قانون صدور چک مصوب۱۳۷۶ مجمع تشـخیص مصلحت نظام حکم به محکومیت خوانده موصوف به پرداخت مبلغ یکصد و بیسـت و پنج میلیون ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ۲/۴۵۵/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسـی و همچنین خسارت تاخیر تادیه به نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی جمهوری اسـلامی ایران از تاریخ سررسید چک تا یوم الاداء در حق خواهـان صـادر و اعلام می نماید . رای صادره ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در دادگاه تجدید نظر استان هرمزگان می باشد .۸۰۱/۱۱

قدرت اله حاجی زاده
دادرس شعبه اول دادگاه عمومی قشم

آگهی ابلاغ دادنامه حقوقی

پیـرو آگهـی های قبلی بدین وسـیله بـه آقایان ۱-علی اکبر خـوش خرام فرزند درویش ۲- بهرام پاژنگ فرزند حسـین ۳- خانم مینا فروزان فرزند نصراله فعلا مجهول المکان ، ابلاغ می گردد به موجب دادنامه شـماره ۸۹۰۹۹۷۷۶۱۰۳۰۱۱۷۶ مـورخ ۸۹/۱۰/۲۱ در پرونده کلاسـه ۸۹۰۹۹۷۷۶۱۰۳۰۰۵۳۰ حسـب دادخواسـت بانک ملی اداره امور شـعب هرمزگان به خواسـته مطالبه تضامنا محکوم به پرداخت مبلغ ۱/۸۳۶/۶۶۷ ریال بابت اصل خواسـته و مبلغ ۳۰۹/۷۳۳ ریال هزینه دادرسـی و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه و خسـارت تاخیر تادیه از ۸۱/۱۲/۳۰ تا اجرای حکم بر اساس نرخ شاخص تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی در حق خواهان شده اید رای صادره غیابی و ظرف بیست روز از تاریخ نشر آگهی قابل واخواهی در این دادگاه و سـپس ظرف بیست روز دیگر قابل تجدید نظر خواهی در محاکم تجدید نظر استان هرمزگان می باشد .۸۷/۱۱

مدیر دفتر شعبه سوم دادگاه حقوقی بندرعباس

آگهی ابلاغ دادنامه حقوقی

پیرو آگهی های قبلی بدین وسـیله آقای۱-ناصـر ذاکری فعلا مجهول المکان ، ابلاغ می گـردد به موجب دادنامـه شـماره۸۹۰۹۹۷۷۶۱۰۳۰۱۱۷۸ مـورخ ۸۹/۱۰/۲۱ در پرونده کلاسه ۸۹۰۹۹۷۷۶۱۰۳۰۰۵۱۴ حسب دادخواست بانک ملی اداره امور شعب هرمزگان به خواسته مطالبه تضامنا محکوم به پرداخت مبلغ ۷۶/۶۸۷/۵۰۰ ریال بابت اصل خواسـته و مبلغ ۶۴۱/۷۵۰ ریال هزینه دادرسـی و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه و خسـارت تاخیر تادیه از ۸۳/۱۱/۲۰ تا اجرای حکم بر اسـاس قرارداد به ازاء هر سه هـزار ریال روزانه مبلغ ۲/۲۲۰ ریال در حق خواهان شـده اید رای صادره غیابی و ظرف بیسـت روز از تاریخ نشر آگهی قابل واخواهی در این دادگاه و سپس ظرف بیسـت روز دیگر قابـل تجدید نظر خواهی در محاکم تجدید نظر اسـتان هرمزگان می باشد .۸۸/۱۱

مدیر دفتر شعبه سوم دادگاه حقوقی بندرعباس

با مصرف ماهی
می توان از ایجاد
بیماریهای فشار
خون و تنگی رگها
جلوگیری کرد

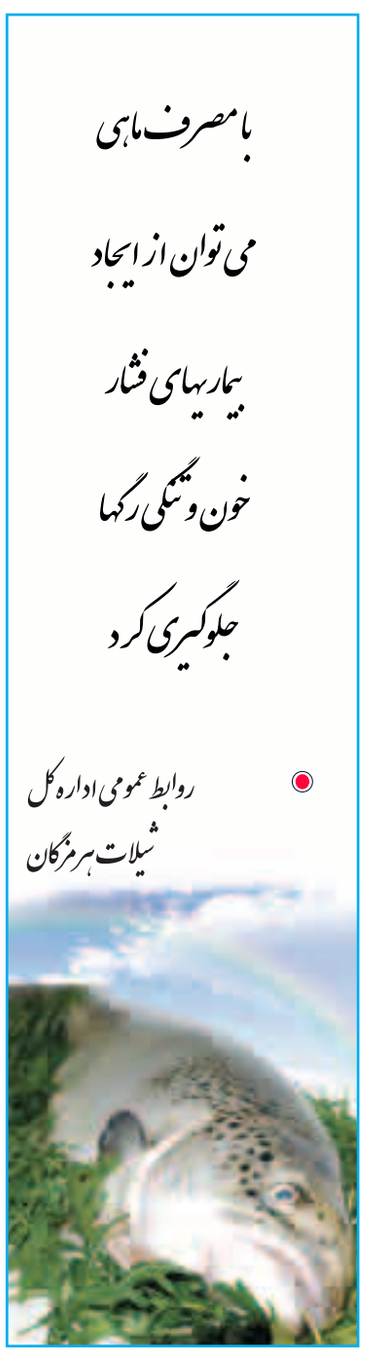

روابط عمومی اداره کل
شیلات هرمزگان

روابط عمومی و آموزش
همگانی شرکت آب و
فاضلاب هرمزگان
بکوشیم تا با مصرف عاقلانه آب، الگوی خوبی باشیم برای دیگران